



امیدوار به افزایش سطح زیر کشت پنبه در ایران

گفت‌وگو با محمدحسین کاویانی - مدیرعامل صندوق پنبه ایران



تهیه و تنظیم: مینا بیانی

اشاره:

محمدحسین کاویانی، زاده استان گلستان و کارشناس کشاورزی از سال ۱۳۵۲ فعالیت خود را در زمینه پنبه آغاز کرد و تا پایان سال ۱۳۷۹ در وزارت جهاد کشاورزی در سمت‌هایی همچون رئیس اداره پنبه استان گلستان، معاون فنی و اجرایی سازمان کشاورزی استان گلستان و ... به فعالیت ادامه داد. پس از بازنشستگی (از سال ۱۳۸۰) تاکنون نیز به عنوان مدیرعامل صندوق پنبه ایران مشغول کار می‌باشد. کاویانی ابراز امیدواری کرد: مطالب مربوط به افزایش قیمت پنبه و هم متعادل شدن قیمت تقریبی آن با نرخ گندم به کشاورزان منتقل شود تا حداقل برای کشت تابستانه خود سطح بیشتری از مزارع را به کشت پنبه اختصاص دهند تا نیاز به واردات کاهش پیدا کند. چون صنعت نساجی خرید داخلی پنبه را به مراتب راحت‌تر می‌تواند انجام دهد به هر حال هموطن و داخل یک کشور هستیم و زبان یکدیگر را متوجه می‌شویم اما خرید خارجی باید به صورت نقدی انجام شود و به دلیل تحریم‌ها هم نقل و انتقال پول بسیار دشوار است.

پنبه‌کاران مطرح کشور - و سال ۱۳۵۵ آقای سازگار - یکی از زمین‌داران پنبه - اقدام به واردات ماشین آلات برداشت پنبه کرده بودند و سال ۱۳۵۷ سازمان پنبه نیز تعدادی ماشین برداشت پنبه وارد کرد که ۵ دستگاه در استان گلستان مستقر شد ولی بعد از انقلاب دیگر از چنین ماشین‌آلاتی استفاده چندانی صورت نگرفت و در حال حاضر هم تعداد ماشین‌های برداشت پنبه بسیار اندک و محدود است.

ن.ا.م: میزان امسال کاشت، داشت و برداشت پنبه در کشور چه میزان بوده است؟ همان‌طور که اشاره شد امسال حدود ۸۰ هزار هکتار کشت پنبه صورت گرفته و امیدواریم ۶۰-۶۵ هزار تن پنبه محلول و تصفیه شده قابل استفاده صنایع نساجی

شاهد فعالیت ۴۰ کارخانه پنبه‌پاک‌کنی در استان گلستان بودیم ولی امروز این تعداد به حدود ۵-۶ کارخانه کاهش یافته است که در صورت افزایش سطح زیر کشت پنبه، امکانات تصفیه در کشور بسیار محدود می‌باشد و با مشکلات متعددی در این بخش مواجه خواهیم شد. نکته دیگر کمبود جدی نیروی انسانی در بخش برداشت پنبه است به طوری که در یکی از جلسات اخیر وزارت جهاد کشاورزی اعلام کردم توسعه زراعت پنبه بدون حضور ماشین‌آلات برداشت پنبه امکان‌پذیر نیست اما کارگری که از صبح زود تا عصر، ۴۰-۵۰ کیلوگرم پنبه برداشت کند بسیار سخت پیدایمی‌شود همچنین دستمزد پرداختی به کارگران قابل توجه نیست. سال ۱۳۵۳ در استان گلستان آقای فاریابی - یکی از

ن.ا.م: آماری از میزان سطح زیر کشت پنبه و میزان برداشت آن در مناطق مختلف کشور ارائه نمایند پیش از انقلاب، سطح زیر کشت پنبه حدود ۳۵۰ هزار هکتار بود که حدود ۵۰ درصد آن (۱۸۰ هزار هکتار) در استان گلستان انجام می‌شد متأسفانه پس از انقلاب به دلایل مختلف همچون کم توجهی به کشت پنبه، کشاورزان به کشت سایر محصولات کشاورزی پرداختند لذا با کاهش سطح زیر کشت پنبه مواجه شدیم. در حال حاضر سطح زیر کشت پنبه ایران به حدود ۸۰ هزار هکتار (یک چهارم آمار کشت پیش از انقلاب) رسیده و بخش عمده‌ای از این محصول در استان‌های گلستان، خراسان‌ها، فارس، سمنان و اردبیل (منطقه مغان) کشت می‌شود؛ همچنین در سال‌های گذشته

در کشور تولید شود. در استان گلستان شاهد اتمام برداشت پنبه هستیم؛ در منطقه مغان ۹۰ درصد و در استان‌های فارس و خراسان‌ها حدود ۵۰-۶۰ درصد از عملیات برداشت پنبه انجام شده است. قیمت تضمینی وش پنبه ۳۷ تومان بود ولی به دلیل عدم استقبال صنایع نساجی از خرید پنبه داخلی، قیمت‌ها کاهش یافته به طوری که کشاورزان مغان و گلستان، زیر ۳۰ تومان محصول خود را فروختند و نارضایتی آنان را در پی داشت. چند هفته‌ای است که با برداشت ارز نپما، شاهد رونق بازار پنبه هستیم که معتقدم این موضوع در ترغیب کشاورزان نسبت به افزایش سطح زیر کشت پنبه در سال‌های آینده اثرگذار خواهد بود با افزایش سطح زیر کشت و تولید پنبه از واردات سالانه حداقل ۱۰۰ هزار تن پنبه و خروج ۲۰۰ میلیون دلار ارز نیمایی جلوگیری به عمل می‌آید. کشاورزان بذر، کود و سم و ادوات کشاورزی را با ارز آزاد تهیه می‌نمایند ولی انتظار داریم پنبه خود را با ارز نیمای بفروشند! این روند غیر منطقی باعث کاهش سطح زیر کشت پنبه شده است.

از طرفی صنعتگران نساجی به درستی اعلام می‌کنند برای رقابت با سایر کشورها در بازارهای بین‌المللی باید مواد اولیه را به نرخ جهانی تهیه نماییم اما نرخ جهانی پنبه عموماً پایین است چون کشورهای تولیدکننده پنبه با اختصاص یارانه به کشاورزان، رضایت آنها را نسبت به تداوم کشت پنبه جلب می‌کنند ولی دولت ما نه تمایلی به تخصیص یارانه به صنعت نساجی دارد و نه از پنبه کار حمایتی به عمل می‌آورد. از سوی دیگر کشاورز

حق دارد در صورت عدم مقرون به صرفه بودن کشت یک محصول، سراغ سایر محصولات کشاورزی برود. طبعاً زمانی رضایت کشاورز نسبت به کشت پنبه جلب می‌شود که تولید پنبه برایش سودآور باشد نه زیان‌ده! کما این که تجارب موجود نشان می‌دهد سال‌هایی که قیمت پنبه سه برابر قیمت گندم بوده، کشت پنبه برای کشاورز صرفه اقتصادی پیدا کرده است. یکی از وظایف دولت این است با پرداخت یارانه، زبان‌های مالی کشاورزان و صنعتگر نساجی را جبران نماید تا پویا باقی بمانند و اشتغال کشور را حفظ نمایند. در مجموع معتقدم با حذف ارز نیمای پنبه قیمت واقعی خود را پیدا می‌کند اما باید دید صنعت نساجی هم می‌تواند در بازارهای بین‌المللی به رقابت بپردازد یا خیر!

نساجی: مصرف در مورد میزان مصرف آب در تولید پنبه اشاره نمایید. برای تولید یک کیلوگرم پنبه چقدر آب نیاز است و اصولاً پنبه به عنوان یک محصول کشاورزی نیاز بسیاری به آب دارد؟

پنبه یک محصول آب‌بر است و اگر آب مورد نیاز گیاه تأمین نشود هم از نظر کمیت، تولید کمتری انجام می‌شود، هم کیفیت محصول نهایی را کاهش می‌دهد و هم مشخصات تکنولوژیکی الیاف آسیب می‌بیند. میزان استفاده از آب در مناطق مختلف کشت پنبه متفاوت است.

در بعضی مناطق میزان تبخیر آب و در برخی شهرها میزان رطوبت بالاست اما در هر حال پنبه حداقل به ۵

هزار متر مکعب در هکتار آب نیاز دارد ولی با توجه به شرایط جوی و زمان داشت، رقم مذکور متغیر است. در مناطقی مانند مازندران، مغان و گلستان شاهد بارندگی و نزولات آسمانی هستیم (گرچه نسبت به سال‌های قبل کاهش یافته است) اما در مناطقی مانند فارس، خراسان‌ها و سمنان که میزان تبخیر آب بالا و طوبت پایین است پنبه‌کاران به آب بیشتری نیاز دارند.

متأسفانه زراعت‌های جایگزین در بعضی استان‌ها (مانند گلستان) محصولات آب‌بر که بسیار بیشتر از پنبه نیازمند منابع آبی هستند؛ کاشته می‌شود که متأسفانه تخریب تدریجی محیط زیست را به همراه دارد. در استان گلستان، شالی در سطح گسترده کشت نمی‌شد به طوری که پیش از انقلاب حدود ۲۵۰۰ هزار هکتار تا ۷ هزار هکتار شالی وجود داشت که آن هم اراضی نسق بود و در حاشیه رودخانه‌ها قرار داشتند و از آب‌های سطحی استفاده می‌کردند ولی با توجه به درآمد بالای شالیکاری، کشاورزان با کاهش کشت پنبه، اقدام به کشت شالی می‌کنند که نیاز فراوانی به آب دارد لذا علاوه بر عدم کشت پنبه، سطح زیر کشت شالی بسیار وسیع‌تر از حد تصور در استان گلستان رسیده که مشکلات زیست‌محیطی بسیاری به همراه دارد. در دنیا نیز حدود ۳۲ میلیون هکتار پنبه در اراضی آب‌بر کشت می‌شود و تولید پنبه به صورت دیمی رقم چندان قابل توجهی را به خود اختصاص نمی‌دهد.

زراعت‌هایی مانند گوجه‌فرنگی، هندوانه، خربزه و شالی که در استان گلستان جایگزین کشت پنبه شده‌اند؛ آب



امیدواریم با حمایت‌های وزارت جهاد کشاورزی و فعالان صنایع نساجی از پنبه تولید داخل با توجه به عملکرد بسیار مطلوب این بذور بتوان نیاز صنعتگران نساجی را برطرف نمود. به جرئت می‌توان بگویم پتانسیل تولید ۵۰۰ هزار تن پنبه در کشور را داریم.

سال گذشته صنعت نساجی ۱۰۸ هزار تن پنبه وارد کشور کرد که اگر متوسط قیمت جهانی پنبه را ۲ دلار در نظر بگیریم، ۲۰۰ میلیون دلار ارز از کشور خارج شده در حالی که به آسان می‌توان تولید پنبه در کشور را افزایش داد و از خروج ارز جلوگیری به عمل آورد.

در مورد کود هم باید بگویم سال‌های گذشته هم تناوب رعایت می‌شد و هم کودهای دامی مورد استفاده قرار می‌گرفت چون دامداری سنتی در کنار مزارع پنبه مستقر بود اما استفاده از کودهای شیمیایی هم اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسید به خصوص از ته و فسفات که مورد نیاز مزارع پنبه بود ولی امروز با کاهش سطح زیر کشت پنبه و رونق دامداری صنعتی مصرف کودهای شیمیایی افزایش یافته که برای سلامتی انسان چندان مفید نیستند.

بخشی از کودهای شیمیایی مصرفی مزارع پنبه تولید داخل هستند و قسمتی هم از طریق واردات تهیه می‌شوند. گاهی اوقات کودهای وارداتی به دلایل متعدد مانند عدم تأمین به موقع ارز، دیرتر از زمان مورد نیاز به دست کشاورزان می‌رسد. سموم هم چنین شرایطی دارند.

در حال حاضر اغلب کشورهای جهان از مبارزه

پیش از انقلاب، بخش تحقیقات پنبه چندان فعال نبود در نتیجه شاید بیش از ۳۰-۴۰ سال در کشور فقط دو بذر «ساحل» و «ورامین» توزیع می‌شد. شاید این دو بذر در زمان خود بسیار ارزشمند و موثر بودند اما هیچ کشوری برای سال‌های طولانی از یک یا دو بذر استفاده نمی‌کند.

محققین و پژوهشگران سایر کشورها با مطالعات گسترده فنی و علمی، بذور مقاوم به آفات و بیماری‌ها، با عملکرد بالاتر و مناسب برای برداشت ماشینی و غوزه‌های هم‌زمان‌رس و طول زمان رشد کوتاه‌تر تولید می‌کنند که در این حوزه به واقع از سایر کشورها جا مانده بودیم.

خوشبختانه آقای مهندس عباس کشاورز در زمان کوتاه وزارت خود (۱۳۹۹-۱۳۹۸) با یک اقدام شجاعانه، اجازه واردات بذر (عموماً از ترکیه و یونان) را صادر کردند. با واردات و کشت بذور خارجی، همگان مشاهده کردند که بذره‌های جدید عملکرد بهتر و طول الیاف بلندتر دارند، طول رشدشان کوتاه‌تر است، غوزه‌ها هم‌زمان‌رس هستند، نیاز به آبیاری و سم و کود کمتر دارند و دیگر لازم نیست کشاورز ۴ مرتبه در مزرعه محصول برداشت کند، تمام این محسنات باعث شد واردات بذر در زمان وزارت آقای مهندس محمود حجتی - وزیر اسبق جهاد کشاورزی - تداوم یابد.

خوشبختانه محققین مرکز تحقیقات پنبه بسیار فعال هستند و همه ساله چندین بذر جدید ارائه می‌دهند که از نظر کیفیت چیزی کمتر از بذره‌های خارجی ندارند.

به مراتب بیشتری مصرف می‌کنند و در آینده نزدیک با فرونشست زمین مواجه خواهیم شد؛ ضمن این که زراعت غلات (مخصوصاً گندم) برای کشاورز اهمیت بسزایی دارد و استان گلستان هم یکی از قطب‌های تولید غلات ایران محسوب می‌شود.

برای این که بتوان از نظر تولید غلات به اهداف وزارت جهاد کشاورزی دست یافت؛ باید تناوب در این استان رعایت شود. عدم رعایت تناوب در کشت، افزایش آفات، بیماری‌ها و علف هرز در مزارع و به تبع آن، استفاده بیشتر از سموم کشاورزی را به همراه دارد که بالا رفتن هزینه‌های تولید و آلودگی محیط زیست را به دنبال دارد لذا کشت پنبه در گلستان مناسب‌ترین زراعت در تناوب با غلات به شمار می‌آید. بسیاری از آفات و بیماری‌هایی که در گذشته به عنوان آفات کلیدی در این استان محسوب نمی‌شدند، بعد از کاهش سطح کشت پنبه و عدم رعایت تناوب در زراعت غلات، در حال حاضر به مهم‌ترین بیماری‌های کشاورزی تبدیل شده‌اند که باید سم‌پاشی‌های متعددی برای مهار آنها انجام گیرد. در مجموع دولت باید قیمت‌ها و یارانه‌ها را به نحوی مدیریت نماید تا اهداف تخصصی و فنی وزارت جهاد کشاورزی حاصل گردد، کشاورزان تناوب کشت پنبه و غلات را رعایت نمایند و انگیزه و تمایل آنان جهت تولید پنبه حفظ شود.

نکته: امروزه در مورد وضعیت بهره‌گیری کشاورزان از بذر، کود و سم نیز توضیحاتی ارائه نمایم.



بیولوژیک (استفاده از حشرات پارازیته و حشرات پراتور (شکارگر) جهت کنترل آفات و ...) و مبارزه تلفیقی (عوامل بیو کنترل و سموم شیمیایی سازگار) در محصولات کشاورزی خود استفاده می کنند کما این که حدود ۳۰ سال پیش طی سفر اداری به ترکمنستان متوجه شدم کشاورزان به مبارزه بیولوژیک و تلفیقی در مزارع خود می پردازند ولی متأسفانه در کشور ما مبارزه شیمیایی ترجیح داده می شود که تبعات خاص خود را دارد. در ادامه فارغ التحصیلان مهندسی کشاورزی را تشویق کردیم که به جای استخدام در سازمان های دولتی پیرامون مبارزه بیولوژیک و تلفیقی تحقیقات انجام دهند. سپس پرورش حشرات مفید از جمله «زنبور تریکو گراما» و «زنبور براکن» در آزمایشگاه ها انجام شد. زنبور براکن پس از زنبورهای تریکو گراما، دومین عامل پر کاربرد در کنترل بیولوژیک برخی آفات کشاورزی است.

این زنبور که پارازیته خارجی لاروهاست، می تواند نقش خوبی در کنترل برخی آفات مهم کشاورزی نظیر کرم غوزه پنبه، کرم میوه خوار گوجه فرنگی و گونه هایی از برگ خوارها ایفا نماید.

این زنبورها به واسطه جثه بزرگ و فلج کردن لاروهای میزبان (که قابل مشاهده و لمس توسط کشاورزان است) اهمیت دارند و قادرند برخی پروانه های آفات انباری را مورد حمله قرار دهند که این امر می تواند بر قابلیت و اهمیت کاربرد و تکثیر آنها بیفزاید.

با توسعه مبارزه بیولوژیک، تعداد سم پاشی های شیمیایی در مزارع کاهش یافت، آسیب به محیط زیست به حداقل رسید و کیفیت پنبه های تولیدی ارتقا یافت ولی از آن جایی که اجرای برنامه های مختلف در ایران قائم به افراد است، پس از باز نشستگی ام لزوم توجه به مبارزه بیولوژیک در مزارع از سوی متولیان امر جدی گرفته نشد و بار دیگر استفاده گسترده از سموم شیمیایی در تمام زراعت های کشور افزایش پیدا کرد.

نکته: پرسش بعدی در مورد قیمت خرید پنبه و مقایسه آن با سایر محصولات کشاورزی است. آیا در حال حاضر کشت پنبه برای کشاورزان مقرون به صرفه است؟

تجربه ثابت کرده اگر قیمت پنبه بیش از ۳ برابر قیمت گندم باشد، تعادل میان کشت پنبه و گندم رعایت

می شود و سطح زیر کشت پنبه در حد نیاز خواهد شد ولی متأسفانه بعد از انقلاب چنین اتفاقی رخ نداد. امیدواریم با حذف ارز نیما و نزدیک شدن قیمت پنبه تولید داخل به نرخ جهانی (اگرچه قیمت جهانی پنبه هم نسبت به سال های قبل کاهش دارد به طوری که دی ماه پارسال قیمت جهانی پنبه ۲ دلار بود ولی امروز به یک دلار و ۷۳ سنت کاهش پیدا کرده است) اخبار امیدوار کننده و مثبت از افزایش سطح زیر کشت پنبه (بالای ۱۱۰ هزار هکتار) در کشور به گوش برسد؛ اگرچه برخی کشاورزان برای کشت پاییزه تصمیم خود را گرفته اند، بعضی هم کشت های پاییزه را انجام داده اند و برای کشت بهار پنبه، زمین زیادی نگذاشته اند.

امیدواریم مطالب مربوط به افزایش قیمت پنبه و هم متعادل شدن قیمت تقریبی آن با نرخ گندم به کشاورزان منتقل شود تا حداقل برای کشت تابستانه خود سطح بیشتری از مزارع را به کشت پنبه اختصاص دهند تا نیاز به واردات کاهش پیدا کند چون صنعت نساجی خرید داخلی پنبه را به مراتب راحت تر می تواند انجام دهد به هر حال هموطن و داخل یک کشور هستیم و زبان یکدیگر را متوجه می شویم اما خرید خارجی باید به صورت نقدی انجام شود و به دلیل تحریم ها هم نقل و انتقال پول بسیار دشوار است.

نکته: بعضی سال ها با کاهش سطح زیر پنبه روبرو می شویم آیا این موضوع به سودآوری کاشت سایر محصولات زراعی یا قیمت پنبه ارتباط دارد؟

بی شک موضوع اقتصادی، اولویت نخست تصمیم گیری کشاورزان است. در گذشته بسیاری از استان های کشور (به جز استان های شمالی نظیر گیلان و مازندران) قوت غالبشان برنج نبود و از نان در سفره های خود بستر استفاده می کردند ولی با افزایش جمعیت، تغییر تدریجی الگوی غذایی مردم و افزایش گرایش به مصرف برنج، نیاز به کشت این محصول بیش از هر زمان دیگری احساس شد. با افزایش تقاضا، قیمت برنج بالا رفت و این موضوع انگیزه کشاورزان را برای شالی کاری افزایش داد به طوری که بسیاری از استان ها برای کسب درآمد و سود بیشتر به کشت برنج روی آوردند. روزگاری در استان مازندران ۵۰ هزار هکتار پنبه کاشت می شد و کارخانجات پنبه پاک کنی بسیاری در این استان به فعالیت می پرداختند ولی امروز کشاورزان نسل

جدید در بابل، بابلسر، جویبار، کیاکلا و ... اطلاعی از سابقه کشت پنبه در شهر و روستای خود ندارند!

نکته: در حال حاضر وزارت جهاد کشاورزی به کشاورزان پنبه کار یارانه اختصاص می دهد؟ ندیده ایم که به این بخش یارانه بدهند!

نکته: در دنیا سیستم تخصیص یارانه دولتی به پنبه کار چگونه است؟

اغلب کشورهای دنیا به اشکال مختلف مانند کمک های نقدی، ارائه کود، تأمین هزینه های بیمه و ... به پنبه کاران یارانه می دهند. در اروپا دو کشور یونان و اسپانیا به دلیل شرایط مناسب آب و هوایی، تولید کننده پنبه هستند برای جلب رضایت کشاورزان پنبه کار یونانی، جامعه مشترک المنافع اروپا به آنان یارانه می پردازد و حتی برخی اوقات بیشتر از قیمت جهانی به کشاورزان یارانه اختصاص می یابد. برای مثال اگر یک دلار و ۱۰ سنت قیمت جهانی پنبه بود، یک دلار و ۵۰ سنت یارانه پرداخت کرده اند. تمام دنیا به دنبال حمایت، تقویت و حفظ قشر تولید کننده است پس باید اقدامات موثری در جذب روستائیان نسبت به تولید محصولات کشاورزی، عدم مهاجرت به شهرهای بزرگ و تبدیل شدن به مصرف کننده صرف انجام شود.

نکته: آماری از میزان مصرف پنبه در کارخانه های نساجی کشور دارید؟

صنایع نساجی اعلام می کنند بین ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار تن پنبه در سال مصرف می کنند و شاید ظرفیت ماشین آلات مشغول به کار بیش تر از این رقم باشد. طبعاً مصرف پنبه از نظر مسائل سلامتی و بهداشتی ارجحیت دارد اما به دلیل افزایش قیمت پنبه ممکن است در بخشی از تولیدات خود از مخلوط پنبه- پلی استر یا پنبه- ویسکوز استفاده کنند که این امر نیازشان به پنبه را کاهش می دهد.

نکته: برخی از صنعتگران نساجی معتقدند کیفیت پنبه تولید داخل برای تولید نخ های ظریف چندان مناسب نیست لذا برای تولید نخ یا پارچه با کیفیت، نیازمند واردات هستند. دیدگاه شما در این مورد چیست؟

خیر! طی چند سال اخیر کشت پنبه مقرون به صرفه نبوده است.

نستعلیق: بسیاری از کارشناسان به روزگاری اشاره می‌کنند که صادرکننده پنبه بودیم و امروز به واردکننده صرف تبدیل شده‌ایم. آیا زمین‌ها بزرگ‌تر بوده؟ سیاست کشت فراسرزمینی اجرا شد که آمار تولید و صادرات پنبه ایران را بالا برد؟

آن سال‌ها جمعیت ایران ۳۵ میلیون نفر بود و نیاز به پنبه هم اندک بود لذا صادرات در حجم وسیع انجام می‌گرفت.

از سوی دیگر حجم تولید پنبه بالا بود به طوری که سالانه ۱۰۰ هزار تن پنبه از استان گلستان به ۲۱ کشور دنیا صادر می‌شد اما امروز گفته می‌شود صادرات ماده اولیه و به نوعی خام فروشی افتخار نیست و باید از ارزش افزوده محصولات خودمان بهره‌مند شویم همان‌طور که از یکستان از سال ۲۰۲۰ صادرات پنبه را بسیار محدود اعلام کرد و ارزش افزوده آن را به کارخانجات ریسندگی، بافندگی و پوشاک منتقل نموده است.

بعد از انقلاب سطح زیر کاشت پنبه علی‌رغم پتانسیل بسیار بالا به دلیل عدم صرفه اقتصادی کم و کمتر شد.

لازم به یادآوری است که سال ۱۳۸۲ حدود ۴۰ هزار تن پنبه مازاد بر نیاز واحدهای نساجی تولید شد که صندوق پنبه ۲۵ هزار تن آن را با هدف تنظیم بازار پنبه خریداری نمود و ۱۲ هزار تن نیز صادر شد در حالی که نرخ جهانی پنبه آن زمان زیر یک دلار بود؛ برخی صنعتگران نساجی مجوز واردات پنبه به دلیل نیاز به پنبه طول تار بلند گرفتند ولی حتی یک کیلو پنبه طول تار بلند هم وارد کشور نکردند و از آن سال به بعد کشاورزان از کشت پنبه مأیوس شدند و به تدریج سطح زیر کشت پنبه مزارع خود را کاهش دادند.

نستعلیق: مطلب نهایی

آرزو می‌کنم دولتمردان به پنبه و صنایع نساجی با دید بهتر نگاه کنند تا بتوانیم در دنیا مانند ترکیه حرفی برای گفتن داشته باشیم.

در بعضی ماشین‌های نساجی بسیار بالاست. به هر حال برای تولید مناسب‌تر نیازمند نوسازی و بازسازی ماشین‌آلات پنبه پاک کنی فرسوده و تهیه قطعات یدکی هستیم. قیمت آنها بالاست و با توجه به تحریم‌ها امکان وارداتشان به ایران اگرچه غیرممکن نیست ولی بسیار بسیار دشوار می‌باشد

وقتی لوازم باکیفیت در دسترس نباشد بی‌شک محصول نهایی باکیفیت نخواهد بود و کیفیت الیاف کارخانه‌های نساجی دچار افت می‌شوند که این امر بر عملکرد سایر زنجیره‌های نساجی انتقال می‌یابد نکته بعد موضوعی است که باعث نگرانی واحدهای نساجی می‌باشد یعنی وجود الیاف غریبه در پنبه‌های تولید داخل که در صورت واردات ماشین‌آلات به روز برداشت، این مشکل به طور کامل برطرف می‌شود.

نستعلیق: در بخش‌های کاشت، داشت و برداشت شرایط و وضعیت مکانیزاسیون پنبه داخلی چگونه است؟ آیا از سطح متعادل جهانی خیلی عقب‌تر هستیم؟

در بخش کاشت تا حدودی شرایط رضایت‌بخش است و فکر نمی‌کنم دیگر کاشت دستی انجام شود. در بخش داشت بسیاری از مزارع از تیلر کولتیواتور استفاده می‌کنند (تیلر کولتیواتور ابزار باغبانی یا کشاورزی است که برای آماده‌سازی و کشت خاک استفاده می‌شود.) بعضی هم با وجین دستی کار را انجام می‌دهند که کار سختی است. در بخش آبیاری از سیستم‌های نوین آبیاری دنیا عقب هستیم و باید منابع آبی را در مزارع پنبه به صورت بهینه مصرف نماییم. سم‌پاشی مزارع هم عمدتاً به صورت تراکتوری، دستی و گاه با کمک پهپاد انجام می‌شود. در حوزه برداشت پنبه نیز خیلی عقب هستیم و امیدواریم دولت در این بخش با تسهیل واردات ماشین‌آلات مدرن به کشاورزی کشور کمک کند

نستعلیق: کشت پنبه در ایران مقرون به صرفه است؟

پنبه یک محصول کشاورزی است نه صنعتی. ببینید مثلاً ماشین حساب، یک محصول صنعتی است و اگر صدها ماشین حساب سفارش دهید؛ روند تولید و عرضه یکسانی دارد ولی پنبه به عنوان یک محصول کشاورزی در یک محیط آزاد تولید می‌شود و شرایط محیطی و جوی در آن اثرگذار است.

ممکن است هنگام برداشت، باد شدید بوزد، باران ببارد یا توفان برسد که همگی به روی کیفیت نهایی الیاف پنبه موثر هستند. پنبه تولید شده دارای چین یک، چین دو و چین سه است و کیفیت همگی از سر مزرعه با همدیگر متفاوتند. از نظر رقم، کیفیت و درجه نیز پنبه دارای تقسیم‌بندی‌های مشخص است که هر کدام مصارف خاص خود را دارند. کارخانه‌های نساجی از نخ نمره ۲ تا نمره ۴۰ در داخل کشور تولید می‌کنند و معتقدند اگر سفارشی وجود داشته باشد قادر به تولید نخ ۶۰ تا ۸۰ هم هستند اگرچه تا نخ نمره ۴۰ روتین معمول و روزمره تولیدات کارخانه‌های نساجی است.

بنابراین از پنبه تولید داخل، عرضه نخ‌های ظریف امکان‌پذیر است. در تولید محصولات مانندی زمین شوی، قالی‌های موسوم به خرسک، پارچه جین، از نخ نمره ضخیم استفاده می‌شود و طبعاً کسی از نخ نمره ۴۰ در تولید پارچه جین استفاده نمی‌کند

نستعلیق: در حال حاضر چه تعداد کارخانه پنبه پاک کنی در کشور فعال هستند و سطح دسترسی آنها به تکنولوژی و ماشین‌آلات به روز و مدرن چگونه است؟

شاید بیش از ۹۰ درصد کارخانه‌های پنبه پاک کنی کشور، پیش از انقلاب راه‌اندازی شده باشند و اگر بعد انقلاب یکی دو مورد کارخانه پنبه پاک کنی وارد شده، نمونه دست دوم یونانی هستند

بسیاری از ماشین‌آلات این کارخانه‌ها بیش از ۵۰ سال کار کرده‌اند ولی اتفاق چندان مهمی رخ نداده و تکنولوژی آنها تغییر چندانی نکرده است. در حالی که سرعت تغییر و مدرنیزاسیون